



نگاهی به برخی ترجمه‌های قرآن کریم

سید مجتبیٰ مجاهدیان

پژوهش و نقادی درباره ترجمه‌های قرآن این دستاورد مهم را در پی خواهد داشت که لازم است ترجمه‌ای جمعی، استوار و قانونمند زیر نظر گروهی از محققان علوم قرآنی (تفسیر، قراءات، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ و...) و متخصصان زبان عربی (لغت، صرف، نحو، اشتقاق و...) و عالمان علوم دینی (کلام، فقه، حدیث، اصول فقه و...) با یاری دولت اسلامی برای فارسی‌زبانان فراهم گردد و علاقمندان را از اضطراب و دودلی در میان ده‌ها ترجمه پرنوسان و مختلف رهایی بخشد.

اگرچه قرآن «من عندالله» بوده و اختلافی در آن نیست، اما ترجمه آن «من عند غیرالله» است و لذا بدیهی می‌نماید که اختلافاتی در ترجمه الفاظ الهی صورت گیرد: «ولو كان من عند غیرالله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (نساء، ۴/۸۲) هر چند که با همتی همگانی می‌توان درصد این اختلافات و نوسانات ترجمه‌ای را تقلیل داد.

همه مترجمان که قصد و نیتشان تفهیم رسا و دقیق مراد الله از قرآن مجید است مجاهدان فی سبیل الله اند و ان شاء الله ماجوراند. نشانه آن این است که از نقادی و پژوهش استقبال می‌کنند.

پیشکش

سال هفتم
شماره ۲۷

۱۶۳

بی شک خدمتگزاران مجلهٔ وزین بیانات نیز بر این توفیق شاکراند که توانسته اند چنین مسألهٔ بسیار مهمی را در نطق وسیعی بر صحنه آوردند و ما نیز بر این حُسن تدبیر سپاسگزاریم.

اما؛ این خدمتگزار ناچیز، ضمن شرکت در تصحیح و ویرایش ترجمهٔ قرآن مجید اثر یکی از استادان سترگ و بزرگ قرآن پژوه معاصر (که ان شاء الله بزودی ترجمه و تفسیر ایشان تقدیم جامعهٔ قرآنی ما خواهد شد) متوجه بعضی نارساییها در چند ترجمهٔ مشهور موجود شدم که با اظهار ادب به پیشگاه این مترجمان فرهیخته و سابقان این طریق در پیش گرفته که ایشان «اولئك المقربون» هستند، چند نمونه را از باب مثال یادآور می شوم و از ذکر نام مترجمان محترم پرهیز می نمایم، چرا که قصد حقیر نقد دقیق ترجمه ای خاص نیست، بلکه امید آن دارم که این مُجمل بتواند از عهدهٔ بیان «ضرورت تدوین ترجمه ای جمعی و قانونی» از کلام الله مجید برآید.

۱. در آیهٔ «... وان لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا...» (مائده، ۷۳/۵) «مس» به معنای مطلق رسیدن و اصابت کردن نیست، بلکه قسمی از آن می باشد یعنی: اصابتی است ملایم مانند لمس و ملاسه، و از مؤیدات آن این آیه است: «قالت رب انى يكون لى ولد ولم يمسنى بشر» (آل عمران، ۴۷/۳) و «لايمسه الا المطهرون» (واقع، ۷۹/۵۶). بنابراین ترجمهٔ آن به «رسیدن»، «اصابت کردن» و «انجام گرفتن» نارساست. برای توجه بیشتر به فرق موارد اصابت، تأمل در آیهٔ ۱۰۷ سورهٔ مبارکهٔ یونس راه گشاست: «وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله»، گویی «مس ضر» اصابتی ملایم است و «اراده خیر» اصابتی قوی.

۲. «يخرصون» در آیهٔ «... ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون» (انعام، ۱۱۶/۶) به معنای «تخمین می زنند» (به دروغ و یا غیر دقیق) است که از «خرص» گرفته می شود و آن به معنی معین کردن وزن تقریبی برخی از محصولات کشاورزی مثل خرماى روی درخت است که با تخمین صورت می گیرد نه با روشی یقینی. تخمین زننده و معین کنندهٔ غیر دقیق را «خراص» گویند. پس ترجمهٔ آن به «دروغ می بافند»، «دروغ می گویند»، «دروغ می سازند» دقیق نیست و می تواند نوعی مسامحه در ترجمه باشد. جالب آن است که خداوند در قسمت پیش از آن می فرماید: «ان يتبعون الا الظن».

البته ناگفته نماند که قسمت عمده ای از این دست نارساییها و مشکلات ترجمه ای ناشی از عدم وجود مرادف برخی کلمات زبان عربی (با همان بار معنایی کامل) در زبان فارسی است.

۳. «اول المسلمين» در «... وانا اول المسلمين» (انعام، ۱۶۳/۶) به معنی «اولین مسلمانان» یا «اولین اسلام آورندگان» است و ترجمهٔ آن به «پیشوای مسلمانان» اگر مقتبس از تفسیر مأثورى



نباشد، صحیح نیست.

۴. یکی از انتقادات وارده بر اغلب ترجمه‌های موجود قرآن، تسامح و تساهل مترجمان محترم در امر ترجمه و مقید نبودن تام و تمام ایشان به متن کتاب الهی است. نمونه‌هایی از این قبیل مسامحه کاریها را می‌توان در چهار عنوان برشمرد:

الف) ترجمه نکردن برخی حروف مؤکده، ظروف، اسماء اشاره، کلمات و حتی برخی جملات در بعض ترجمه‌ها. مثلاً: «لقد» (طه، ۲۰/۳۷)، نون تأکید «لنذیقنهم» (سجده، ۳۲/۲۱)، «اذ» (بقره، ۲/۳۴) که ظرف است و در مقام مفعولیت برای اذکر یا اذکروا مقدر، «ذلکم» (اعراف، ۷/۱۴۱)، و نیز «جبالاً» (یس، ۳۶/۶۲) همچون صدها نمونه دیگر در این ترجمه‌ها کان لم یکن تلقی شده‌اند. و حتی جمله کاملی چون «وانتم لاشعرون» (زمر، ۳۹/۵۵) در ترجمه‌ای کاملاً به فراموشی سپرده شده است! حال به ترجمه‌ای آزاد که برای قسمتی از آیه ۶۲ سوره یس «ولقد اضل منکم جبلاً کثیراً» شده است، توجه فرمایید: «بسیاری از شما را گمراه کرد!!»
ب) اضافه کردن بر متن ترجمه، بدون مشخص کردن آن با کروشه، که نمونه‌های آن کم نیست. مثلاً: «انما غنمتم من شیء» (انفال، ۸/۴۱) که مطلق است در جایی به «آنچه در جنگ بدست آورده‌اید» ترجمه شده، که قید «در جنگ» از قرآن نیست. یا «ذلک بما قدمت ایدیکم...» (انفال/۵۱) ترجمه شده به «این به کیفر اعمالی بود که...»، باید از مترجم سؤال کرد؛ برابر «کیفر اعمال» کدامین کلمات این آیه هستند؟

ج) استنباط و نتیجه‌گیری از قرآن بجای ترجمه آن و ملزم نبودن مترجم به اصل کلام. گرچه در ترجمه‌های اخیر از موارد آن کاسته شده اما هنوز هم یکی از گرفتاری‌های شایع ترجمه‌هاست. مثلاً برخی آیه «والله اعلم بما تصفون» (یوسف، ۱۲/۷۷) را ترجمه کرده‌اند به «و خداوند به بهتانی که می‌زنند آگاه‌تر است» و حال آنکه «به بهتانی که می‌زنند» نتیجه و وصف و تفسیر است نه ترجمه آن. و یا آیه «حملته امه وهنأ علی وهن» (لقمان، ۳۱/۱۴) ترجمه شده به «مادرش به او حامله شد و هر روز ناتوان‌تر می‌شد» که باید از مترجم محترم پرسید: «از کجا آورده‌ای؟».

د) توجه نکردن و جدی نگرفتن ساختمان برخی کلمات (فعلی و اسمی) و نیز زمان افعال. مثلاً: برخی در ترجمه «انأالی الله راغبون» (توبه، ۹/۵۹) نوشته‌اند: «ما به خدا رغبت می‌ورزیم» در حالی که «راغبون» جمع «راغب» (اسم فاعل) است و ترجمه آن «رغبت‌کنندگان» است. و یا «افلیم یسیروا» (حج، ۲۲/۴۶) را به «در زمین سیر نمی‌کنند» ترجمه می‌کند در صورتی که زمان فعل جحد، ماضی است و ترجمه آن «آیا در زمین سیر نکردند» می‌باشد.

۵. ترجمه «یلهث» در «فمثلة کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث...» (اعراف، ۷/۱۷۶) «له‌له»

نگاه‌های به برخی ترجمه‌های قرآن کریم



می‌زند» است. یعنی مرتب بیرون آوردنِ سگ زبانش را چنانکه گویی تشنه است. ترجمه آن به مطلق «بیرون آمدن» یا «بیرون آوردن» چندان دقیق نیست. ترجمه آن به «به عوعو زبان کشد» بیگانه است.

۶. «رباط الخیل» در «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل...» (انفال، ۸/۶۰) به معنای «اسبان بسته» و آماده برای وقت حاجت است و ترجمه آن به «اسبان سواری» صحیح نیست. هر چند که معلوم است اسبان برای سواری اند.

۷. «السائحون» در آیه «التبون العبدون الحمدون السائحون...» (توبه، ۹/۱۱۲) در اغلب ترجمه‌ها به «روزه‌داران» معنا شده در حالی که ترجمه صحیح آن «رهروان»، «سیرکنندگان» یا «سفرکنندگان» در زمین است. اگر چه در بعضی روایات به روزه‌داران تفسیر شده. اما آن را نمی‌توان به عنوان ترجمه نوشت مگر آنچه که اضافه می‌شود مشخص گردد (مثلاً مابین گروه).
۸. ترجمه «ان الذین حقت علیهم کلمت ربک...» (یونس، ۱۰/۹۶)، به «کسانی که سخن

[حکم] پروردگارت بر آنان تحقق یافته...» کاملاً اشتباه است و ترجمه صحیح آن چنین است: «همانا آنان که فرمان [عذاب] پروردگارت سزاوار ایشان شد...». «کلمه» در اینجا به معنی «فرمان عذاب» و آن سنت تکوینی خداوند است و کسانی که ایمان نمی‌آورند سزاوار آن می‌شوند. مانند قوله تعالی: «قالوا بلی و لکن حقت کلمة العذاب علی الکافرین» (زمر، ۳۹/۷۱).

۹. در آیه «و القواعد من النساء التي لا یرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن...» (نور، ۲۴/۶۰) «نکاح» به معنی «آمیزش جنسی» است نه مطلق زناشویی که اغلب ترجمه کرده‌اند و «ثیاب» در این آیه به معنی مطلق لباس‌های زنانه است نه به معنای «چادر» یا «جامه».

۱۰. «بئر معطله» (حج، ۲۲/۴۵)، به معنی «چاه تعطیل شده» و «چاه معطل مانده» است، به سبب مراجعه نکردن و آب نکشیدن از آن، هر چند که آب دارد. پس ترجمه آن به «چاه ویران» اشتباهی بس بزرگ است. در اخبار ما آمده که مراد از «بئر معطله و قصر مشید» اهل بیت طاهرین اند و در ادبیات عرفانی ما نیز این تفسیر مذکور بوده چنانچه مرحوم آسید حسین ظهیر الاسلام دزفولی -رحمة الله علیه- فرموده:

علم و شرف آل محمد ز مجید
چون بئر معطله است و چو قصر مشید
عمقی است که قعر بحر آن نیست پدید
طاقی است که بر عرش برین شمشه کشید

